

بررسی دیدگاه‌های مختلف در ضمان عاقله^۱

دکتر صادق مرادی*

چکیده

دیدگاه‌های مختلفی در طرح و اجرای ضمان عاقله مطرح شده است. عده‌ای به لحاظ شرایط زمانی در صدر اسلام و تغییر ویژگی‌ها و خصوصیات آن، در زمان حاضر حکم ضمان عاقله را منتفی می‌دانند. هر چند در تمام این نظرات به اصل وجود این حکم در احکام اسلامی اذعان شده است. اما بررسی ابعاد و زوایای این حکم و شرایط و خصوصیات آن نشان می‌دهد:

الف- در صورت تبیین کامل و صحیح ابعاد مختلف حکم ضمان عاقله، دیدگاه‌های مختلف روشن و توضیحی بر نظریه‌هایی خواهد بود که امروزه طرح و اجرای حکم ضمان عاقله را بعید می‌دانند. ب- اجرا و عملی نمودن این حکم موجب کاهش جرایم و حل مشکلات از جمله کاهش آمار زندانیان، تامین دیه مقتول، مانع افزایش بی‌سرپرستی خانواده‌ها و در نهایت موجب نظارت عمومی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ضمان عاقله، صدر اسلام، عصر حاضر، مسئولیت جبران خسارت، یاری خویشان.

* مربی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز و وکیل دادگستری

احکام اسلامی منشاء و حیاتی و الهی دارند. يك دسته از احکام که سابقه در جامعه بشری نداشته و ابتدائاً وضع و تشریح شده اند به احکام تأسیسی معروف هستند. دسته ی دیگر از احکام که در جامعه به صورت عرف عقلایی وجود داشته و رسول اکرم صلی الله علیه وآله آن ها را با تغییر و یا تکمیل، تایید و تقریر نموده است، «احکام امضایی» نامیده می شوند. آیا احکامی که در صدر اسلام برای تنظیم روابط اجتماعی وضع شده و با توجه به خصوصیات زندگی آن عصر کاربرد داشته است، با تغییر شرایط اجتماعی، آنها نیز تغییر می کنند یا نه؟

این نکته روشن است که احکام بر اساس موضوعات وضع و تشریح شده اند و با تغییر یا انتفای آنها، احکام نیز تغییر می کنند. اما استنباط حکم جدید از منابع اولیه و تطبیق آن با مصادیق و شرایط جدید، منافات با اصول کلی و احکام اولیه ندارد. امام صادق علیه السلام فرموده: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع» یعنی بیان اصول و کلیات بر ماست و تفریع و تطبیق جزئیات با آنها بر عهده ی شماست. (فیض علیرضا، مبادی فقه و اصول، ص ۱۵۶)

از جمله احکامی که امروزه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، حکم ضمان عاقله است. بر اساس این حکم مسئولیت خویشاوندان مرتکب قتل خطایی محض، در جبران خسارت و پرداخت دیه ی مقتول، جایگزین مسئولیت قاتل خطایی شده است.

دیدگاههای مخالف و مختلفی در موضوع حکم ضمان عاقله مطرح شده است. از جمله آن که چرا باید کسی در مقابل جنایت کس دیگر مجازات شود؟ (رهنمون، مرعشی سید محمد حسن، ش ۷ ص ۴۹) بعضی نیز آن را در جایی قابل قبول می دانند که قبایل و عشایر با هم قرارداد و پیمان داشته و عرف قبیله ای بر آن حاکم است. (موسوی بجنوردی محمد، رهنمون، ص ۱۴۴) در نتیجه گفته اند: امکان عملی نمودن و اجرای آن در زمان حاضر وجود ندارد.

در این کنکاش و بررسی علاوه بر تبیین اثرات مثبت حکم ضمان عاقله، علت نفي و مخالفت نافیان نیز معلوم شده است. طوری که این حکم در جامعه ی امروزی مورد نیاز بوده و امکان تحقق دارد. در این مقاله با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی عاقله و اجزای تشکیل دهنده ی آن، عدم مغایرت حکم ضمان عاقله با اصول و قواعد حقوقی، شرایط آن در جامعه قبیله ای و وجود شرایط آن در حال حاضر روشن شده است.

قبل از ورود به بررسی نظرات مختلف، معانی لغوی و اصطلاحی ضمان عاقله را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم.

گفتار اول: معنای لغوی عاقله

در معنای لغوی عاقله به چند معنی آن از منابع مختلف اشاره می شود.

۱- ابن اثیر گفته: «عقل به فتح عین و سکون قاف یعنی دیه و منظور این است که وقتی قاتل، شخصی را (به طور خطای محض) به قتل می رساند، خویشان وی دیه را از شتران جمع کرده و به آستان ی در اولیای مقتول می بستند. یا این که زانوی شتران را می بستند تا تحویل اولیای مقتول بدهند». (جزری محمد، نهاییه، ج ۳ ص ۲۷۸). یعنی کسانی که این شتران را جمع کرده و به عنوان دیه و خون بهای مقتول به اولیای مقتول تحویل یا به هر طریقی به آنها می دادند خویشاوندان ذکور پدری قاتل بودند که عاقله ی وی محسوب می شدند.

۲- راغب اصفهانی گفته: «عقل به فتح عین و سکون قاف به معنی امساک، وضع شده و به معنی بستن شتر با طناب نیز گفته می شود و به معنی دیه نیز آمده است». (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳۶۲ ص ۳۴۲) در اقرب الموارد چنین آمده است: «عاقله از واژه ی عقل (به فتح عین و سکون قاف) گرفته شده و به معنی حبس کردن و نگه داشتن زبان است». (شرتونی، ج ۳ ص ۲۹۹)

۳- در مجمع البحرین نیز آمده است: «عقل به ضم تین و سکون الثانیه جمع العقال (به کسر عین) و هو الحبل الذی یشد به البعیر» (طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵ ص ۴۲۷) به معنی طنابی که با آن شتر را می

بندند و چون خویشان قاتل شتران را به آستانه ی خانه بازماندگان مقتول می بستند، از این جهت به ایشان عاقله گفته اند.

۴- ابن منظور در لسان العرب (ج ۱۹ ص ۴۲۷) عقل را چنین معنی کرده است: «العقل (به فتح عین و سکون قاف) فی کلام العرب، الدیة...». عقل در زبان عرب به معنی دیه است. چون دیه در زمان جاهلی در نزد عرب عبارت از شتر بود و اغلب اموال و دارایی آنها را شتر تشکیل می داد و دیه ی مقتول را نیز با آن می پرداختند. بنابراین قاتل و خویشاوندان وی موظف بودند دیه (شتران) را به در اولیای مقتول برده و تحویل ورثه ی مقتول بدهند یا در دسترس آنها قرار می دادند. به همین جهت پرداخت دیه را عقل (به فتح عین و سکون قاف) می گویند.

۵- فیروز آبادی در قاموس المحيط (ص ۹۵۲) عقل (به فتح عین و سکون قاف) را به معنی دیه و حصن و ملجاء و لباس قرمزی - هودج شتر را تزیین می کنند- معنی کرده است.

با توجه به معانی مذکور از واژه ی عقل، چند نکته در مورد معنای آن حاصل می شود.

الف- در صورتی که عاقله از ریشه ی عقل (به فتح عین و سکون قاف) به معنی دیه باشد، عاقله به معنی پرداخت کننده ی دیه یا دیه پردازان خواهد بود. چون خویشان قاتل، دیه و خون بهای مقتول را که غالباً شتر بود جمع کرده و به بازماندگان قربانی تحویل می دادند.

ب- اگر واژه ی عاقله از ریشه عقل (به فتح عین و سکون قاف) به معنی منع مشتق شده باشد، عاقله به معنی منع کننده خواهد بود. چون خویشان قاتل، او را از تعرض اولیای مقتول حفظ می کردند و این ممانعت بعد از تأیید این حکم در اسلام با پرداخت مال و دیه ی مقتول، تثبیت شد، از این جهت این افراد را عاقله گویند. یعنی به جای حفظ و حمایت با اسلحه و شمشیر که در دوران جاهلیت انجام می شد، عاقله با اعطای مال و دیه به اولیای قربانی، مرتکب قتل خطایی را حفظ و حمایت می کردند.

ج- اگر عاقله از عقل (به ضم عین و سکون قاف) باشد به معنی بستن است و به طنابی که با آن زانوی شتر را می بستند نیز گفته می شود. چون همان طور که بیان شد، شتران را از باب دیه به آستانه ی در خویشان و اولیای قربانی و جان باخته که مستحق دریافت دیه بودند، بسته و از باب دیه تسلیم آنها می کردند، یا این که با دادن دیه، زبان بازماندگان جان باخته و مقتول را از بیان حرفهای ناروا می بستند.

گفتار دوم: معنای اصطلاحی عاقله:

عاقله به بستگان (خویشان) ذکور پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث گفته می شود (ماده ی ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی) و شامل پدر و پسر و برادران و عموها و فرزندان آنها است.

در معنای اصطلاحی عاقله، فقهای مانند شیخ مفید، آن را به عصبه یعنی خویشان پدر و مادری یا پدری قاتل معنی کرده است. (مفقه، ص ۷۳۵) شیخ طوسی به همین نحو بیان نموده است. اما پدر و فرزندان قاتل را جزء عاقله نمی داند. (مبسوط، ج ۷ ص ۱۷۳) ابن براج گفته: «عاقله کسانی هستند که دیه می پردازند...» (مهدب، ج ۲ ص ۵۰۳) و آنها را به خویشان قاتل نسبت داده است. محقق حلی می فرماید: «عاقله عبارت است از عصبه یعنی خویشاوندان پدری قاتل...» (شرایع، ج ۴ ص ۱۰۵۳) همچنین مرحوم نجفی (جواهر الکلام، ج ۴۳ ص ۴۱۳) و امام خمینی (تحریر الوسیله، ج ۲ ص ۵۹۹) نیز عاقله به این ترتیب تعریف نموده اند.

بنابراین، عاقله خویشاوندان مرد مرتکب قتل خطایی هستند که دیه مقتول را به ترتیب طبقات ارث به طور مساوی می پردازند. (ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی)

گفتار سوم: دیدگاه های سلبی در ضمان عاقله:

۱- یکی از نویسندگان که به بحث ضمان عاقله و مسئولیت آنها، در پرداخت دیه توجه نموده، در ضمن مطالب خود چنین اظهار کرده است: «این مساله هر چند در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در بین اعراب اشکالی را به وجود نمی آورد. اما در جامعه ی ما قابل پیاده کردن نبوده و تاکنون دیده و شنیده نشده است که کسی یا کسانی به عنوان عاقله محکوم به پرداخت دیه شده باشند.» (رهنمون، مرعشی سید محمد حسن، ش ۷

و چنین ادامه داده: «در کشور ما نیز زندگی قبیله‌ی وجود ندارد و لازم نیست مباحث پیرامون آنرا مطرح و بحث نماییم که آیا مسئولیت عاقله مسئولیت تکلیفی است یا وضعی؟ و هر کدام از افراد عاقله چه مبلغی را باید پرداخت کنند؟ آیا عاقله را باید در دادگاه احضار کرد یا نه؟ و چرا باید کسی در مقابل جنایت دیگری مجازات شود؟» (همان، ص ۴۹)

با دقت در این مطالب روشن می‌شود که: نویسنده، اصل حکم ضمان عاقله در عصر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را قبول دارد و شرایط زندگی و نظام قبیلگی را هم عامل مهم در بیان و اجرای این حکم و هم در مسئولیت عاقله نسبت به پرداخت دیه‌ی قتل خطای محض می‌دانند و نتیجه می‌گیرند، چون نظام قبیلگی ای‌الآن حاکم نیست و نظام سیاسی به شکل قبیلگی، در جامعه وجود ندارد، پس مسئولیت عاقله نیز منتفی است. مانند حکمی که موضوع آن از بین رفته و موجب انتقای حکم شده باشد.

اما این دیدگاه قابل قبول نیست. زیرا:

الف- با ظهور اسلام هر چند سنت‌ها و عرف‌های جاهلی در هم ریخت ولی عرف‌های زیادی نیز که عقلایی بودند، با اصلاح و تغییراتی پذیرفته شد و به عنوان حکم و قانون اسلامی ارائه گردید. همگی احکام امضایی چنین هستند و در آنها هیچ اشاره‌ای به موقتی یا محلی و منطقه‌ای بودن حکم، وجود ندارد. بلکه باتوجه به خاتمیت و جهان شمول بودن احکام اسلامی، معصومین علیهم السلام با صراحت و قاطعیت آنها را بیان نموده و هیچ اشاره‌ای به عرف‌های حاکم و ویژگی‌های منطقه‌ای نکرده‌اند.

بنابراین اسلام مسئولیت خویشاوندان را در پذیرفتن جبران خسارت در ارتکاب قتل خطای محض - عیناً همان‌طور که در جامعه‌ی عرب و نظام قبیلگی بود- نپذیرفت بلکه طوری اصلاح و تنظیم نمود که قابل انطباق با هر جامعه‌ای باشد. باتوجه به معنای عاقله و کاربرد آن در روایات معلوم می‌شود که منظور از عاقله در بیان حکم آن، تمام افراد قبیلگی نبوده و نیستند. بلکه منظور از عاقله، پدر، پسر، برادر، عمو و فرزندان آنهاست. اینها برای هر فردی و در هر جامعه‌ای قابل تصور است. این افراد هم در زندگی نظام قبیلگی قابل تصور هستند و هم در زندگی و دنیای امروز وجود دارند. به همین جهت است که، قبل از صدور حکم در مسئولیت عاقله باید، رابطه و نسبت بین فرد مرتکب قتل خطایی و افراد مسئول، احراز شده و سپس عاقله بودن آنها اعلام شود.

ب- بیان این‌که امروز حکم مسئولیت عاقله، موضوعیت ندارد، قابل قبول نیست. چون منظور از عاقله از نظر ما همان‌طور که در معنی لغوی و اصطلاحی آن بیان شده است، شامل خویشاوندان ذکور پدری و مادری و یا پدری است که ارث بر هم هستند. (ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی) این خویشاوندان هم چنان در هر جامعه‌ای برای هر کسی وجود دارند و در صورت فقدان این خویشان و یا عدم توانایی مالی به طبقه‌ای دیگر از افراد عاقله منتقل می‌شود، تا به امام علیه السلام و حاکم (که مرحله‌ی آخر و زیر مجموعه‌ی عاقله است) منتهی شود. (جواهر ج ۴۳ ص ۴۱۳)

به نظر ما ایراداتی، نظیر این‌که ضمان عاقله، در عصر و زمان ما قابل طرح و تحقق نیست، یک نزاع صغروی است و به خاطر عدم تصور صحیح از عاقله این اشکال مطرح شده است. در صورت طرح معنای صحیح عاقله معلوم خواهد شد که موضوع حکم ضمان و مسئولیت عاقله امروزه هم وجود دارد و با تحقق موضوع آن و امتیازاتی که برای طرح نظام عاقله قابل ذکر است. در این صورت، باید امکان عملی شدن آنرا فراهم آورد.

ج - وقتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر معصومین علیهم السلام احکام الهی و اسلامی را بیان می‌کردند، آن حکم اختصاص به شنونده و مخاطب نداشت، و حکم بیان شده صرفاً برای مردم حجاز یا عراق نبود. هم چنین امام صادق و امام باقر علیهم السلام که حکم مسئولیت عاقله را بیان می‌فرمودند، توجه داشتند که قلمرو مسلمانان در دنیای آن روز، بخش قابل توجهی از کره زمین را شامل می‌شد و تا شرق و غرب ادامه داشت. چگونه قابل قبول است که امام علیه السلام در چنین شرایطی حکمی را بیان کند و آن حکم مربوط به نظام قبیلگی و محدود به شرایط خاصی باشد. هر چند از نظر ظاهری ائمه معصومین علیهم السلام در اکثر زمانها قدرت اجرایی نداشتند، اما هم‌چنان سرچشمه‌ی احکام و قوانین اسلامی بودند. البته در زمان امام علی علیه السلام نیز این حکم مکرر در احادیث مختلف از آن حضرت ذکر شده است. (وسایل ج ۱۹)

ابواب عاقله حدیث اول و کتاب عتق باب ۳۹ حدیث اول) در حالی که قلمرو حکومت آن حضرت تنها اختصاص به حجاز و عراق هم نداشت. در تمام این بیانات، هیچ دلیلی ارائه نشده است که نظام قبیلگی شرط یا قید برای حکم یا موضوع ضمان عاقله تلقی شود.

د- معمولاً استبعاد نویسنده ی محترم و دیگران به جهت اجرایی کردن آن است. در صورتی که در حکم ضمان عاقله، اعم از صدور یا اجرای آن، وجود جامعه قبیله ای شرط نیست. از طرف دیگر، اگر ما در اصل يك حکم شرعی و قانونی اطمینان داشته باشیم و با دلیل و حجت شرعی ثابت شده باشد، می توان با تنظیم آیین نامه های، نسبت به اجرایی کردن آنها اقدام و راه حل های مختلفی ارائه نمود. به خصوص در پذیرفتن مسئولیت عاقله و وضع چنین قانونی در هر جامعه، موجب افزایش امنیت روحی و روانی برای افراد آن می شود. وجود این امنیت برای هر کس در جامعه مفید و ارزشمند است. در این صورت هر فردی، همواره احساس آرامش نموده و آسوده خاطر خواهد بود، که اگر اتفاقاً حادثه ای (به طور خطای محض) روی دهد، حامی و پشتیبانی دارد.

ه- تقریر این حکم به عنوان حکمی از احکام شریعت، به نحو متفاوت از آنچه در عصر جاهلیت بوده صورت گرفته است. یعنی، این حکم «مسئولیت عاقله» در مورد خاصی است. از جمله عبارت است از:

اولاً: عاقله فقط در قتل خطای محض، یا جراحات موضعه و بیشتر از آن که به طور خطای محض اتفاق افتاده باشد، مسئولیت دارند. بنابراین در قتل عمد و شبه عمد خود مرتکب، مسئول و ضامن است.

ثانیاً: مسئولیت عاقله در قتل خطای محض نیز محدود به موردی است که ارتکاب آن، با بینه ثابت شود. اگر با اقرار قاتل ثابت شود، عاقله ضامن نخواهد بود. هم چنین در صورت مصالحه بر دیه، عاقله مسئولیتی نخواهد داشت.

با بیان این شرایط در ضمان عاقله- که آن را مشخص و محدود نموده- چگونه می توان حکم آن را مختص نظام قبیلگی دانست؟ در حالی که منظور از عاقله، بستگان مرد از جانب پدر هستند نه همهی عشیره و قبیله. چون در این صورت، اگر چه فرد در قبیله زندگی کند، مسئولیت پرداخت دیه، متوجه همهی افراد قبیله نیست. زیرا در تعریف لغوی و اصطلاحی واژه ی عاقله، روشن شد که عاقله شامل بستگان ذکور پدر و مادری یا پدری، مرتکب قتل هستند. اگر در روح حاکم بر این حکم، قبیله و زندگی در آن موثر بود و تشریح آن حکم، اختصاص به عصر ظهور اسلام داشت، باید در پرداخت دیه نیز آن را بر تمام افراد قبیله تقسیم می کردند، در حالی که در ضمان عاقله فقط بستگان ذکور قاتل که ارث بر، بوده و دارای شرایطی مانند توانایی مالی و بلوغ هستند، مسئول اند.

ثالثاً: در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام علی علیه السلام پرداخت دیه قتل را که توسط شخص مجنون اتفاق افتاده بود بر قوم وی قرار داد. (وسائل الشیعه ج ۱۹ ابواب عاقله باب یازده حدیث ۵) از طرف دیگر چون عمد و خطاء مجنون یکسان بوده و عاقله ی وی ضامن هستند، پس می توان گفت: منظور از واژه ی قوم، عاقله مجنون بوده که دیه فعل ارتکابی او را ضامن هستند. بنابراین، این روایت نیز نمی تواند مؤید قول کسانی باشد که می گویند ضمان عاقله اختصاص به نظام قبیلگی دارد.

در نتیجه تشریح حکم ضمان عاقله در اسلام با آنچه که در نظام قبیلگی عرب مرسوم بوده است تفاوت های زیادی دارد و نمی توان آن را مختص نظام قبیلگی دانست.

۲- نویسنده ی دیگر، با اندکی تفاوت، در مورد مسئولیت عاقله چنین توضیح داده است: «در جوامع قبل از اسلام عرف قبیله ای حاکم بوده و مطابق این عرف، دیه برعهده ی عاقله بوده است. با ظهور دین مقدس اسلام چون در منطقه ی نجد و حجاز، در بعضی از مناطق عربی عرف قبیله ای حاکم بود و قطعاً نزد عقلا، امری نیکو به حساب می آمد، اسلام نیز این معنی را پذیرفت و امضا کرد. سپس نتیجه می گیرد، در هر جامعه ای که زندگی به صورت قبیله ای و عشیره ای باشد و با قرار داد و پیمان عهده دار پرداخت دیه، از طرف افراد و اقوام مرتکب جنایت شوند این حکم ثابت است. اما در جامعه ای که عرف قبیله ای حاکم نیست و افراد به صورت قبیله و عشیره نیستند و در مواردی هم هیچ گونه ارتباط نزدیک میان آنان نیست، صرف پسر عم بودن دو نفر بایکدیگر موجب نمی شود که ما ملتزم به مفهوم عاقله شویم. به چه عنوان باید بدین مطلب ملتزم شویم و عاقله باید عهده دار دیه شود اصلاً این مسأله عقلایی نیست.» (رهنمون، موسوی بجنوردی محمد، ش ۷ ص ۴۲ اسال ۷۲)

درقبال این اظهار نظر در مورد مسئولیت خویشان مرتکب قتل خطایی محض به چند نکته اشاره می‌کنیم: اولاً، توضیح داده شد که در حکم ضمان عاقله وجود جامعه ی قبیله ای شرط نیست. ثانیاً، فاصله‌ی مکانی زندگی افراد از همدیگر به عنوان مانع طرح و تحقق ضمان عاقله نمی‌باشد. زیرا، امروزه با امکاناتی که انسانها در اختیار دارند این مشکل منتفی است و اگر منظور ارتباط کم افراد با همدیگر به خاطر مشغله و گرفتاری آنها در شهر های بزرگ باشد، باید همین مشکل را در ارث نیز مطرح کرد.

همان طور که افراد در صورت مطرح بودن مسأله ی ارث، حاضرند برای گرفتن سهم خود فاصله های طولانی را طی کنند و برای اخذ آن، اعلام حضور نمایند. در چنین مواردی، ارتباط کم و معاشرت محدود ورثه با مورث، نه تنها مانع نیست، بلکه در بعضی موارد برای مطالبه ی سهم خود، حاضرند به مراجع قضایی مراجعه کنند.

بنابراین در موردی که قانوناً مسئولیتی بر عهده ی هر یک از افراد عاقله است، فاصله‌ی مکانی در زندگی ها و ارتباط کم آنها در معاشرت، مانعی برای انجام آن محسوب نمی‌شود. از طرف دیگر، حکم اسلام و تشریح آن، نیاز به قرار داد و پیمان بین افراد ندارد. طوری که نویسنده ی محترم، عدم آن را موجب عدم امکان تحقق عاقله دانسته است.

قبل از تقریر ضمان عاقله در اسلام شاید این بحث معقول بود، طوری که ضمان عاقله براساس پیمان و قراردادهای قبیلگی بوده است. ولی بعد از آن که حکم ضمان عاقله به صورت يك حکم الهی و اسلامی در آمده است، مشروط به قبیله، عشیره و پیمان های آنها نیست.

همین نویسنده در قسمت دیگر چنین بیان کرده است:

«ضمان عاقله مستند به عرف قبیله‌ای بود و عقلاً آن را نیکو می‌شمردند. پس در جامعه ای که عرف قبیله‌ای نباشد، نمی‌توانیم به مفهوم عاقله ملتزم شویم.» (رهنمون، موسوی بجنوردی محمد، ش ۷ ص ۴۲ سال ۷۲) اما در توضیح این قسمت باید گفت: در همه احکام امضایی اسلام به نوعی عرف ها ی اجتماعی حاکم بودند. عرف های عقلایی پذیرفته شده، بعد از تقریر توسط شارع به صورت حکم شرعی در می‌آیند و این دلیل منطقه ای و موقتی بودن حکم شرعی و اسلامی نیست و محدود به جامعه و مکانی خاص نمی‌شود. برای نمونه اصل حکم دیه جزء احکام امضایی است و در بین اعراب جاهلی قبل از ظهور اسلام متداول بود. اما بعد از ظهور اسلام و تکمیل و اصلاح آن، به صورت يك حکم امضایی پذیرفته شده است. در مقابل این نظریه باید این سوال را مطرح نمود، آیا حکم دیه در مقابل قتل و جراحات، اختصاص به منطقه، نظام قبیله ی و عصر ظهور اسلام دارد و امروزه قابل طرح نیست؟

در حالی که هیچ محققى تا کنون این موضوع را عنوان نکرده است که دیه مختص عصر ظهور اسلام یا قبل از آن بوده است. پس چگونه اگر حکمی در ادامه ی همین بحث برای عاقله تعلق می‌گیرد، آن را اختصاص به نظام قبیلگی می‌دانند. عرف پرداخت دیه در قتل، توسط افراد قبیله در جاهلیت، بعد از اصلاح و تکمیل آن به عنوان حکم اسلامی، تقریر و تشریح گردید و بعد از آن، همه افراد قبیله و عشیره، عاقله ی قاتل خطایی محسوب نمی‌شدند. یعنی اگر فردی از خویشاوندان نزدیک قاتل نباشد جزء عاقله ی وی به حساب نمی‌آید. چون صرف هم قبیله بودن موجب احتساب او از عاقله نیست. از نظر اهل لغت نیز عاقله و عصبه به معنی قبیله و عشیره نیست بلکه دارای ویژگیها و خصوصیات است. کسانی که توانایی مالی دارند و از شرایط عامه تکلیف برخوردارند و از خویشاوندان ذکور قاتل هستند، عاقله قاتل محسوب می‌شوند. بنابراین صرف هم قبیله بودن موجب نمی‌شود که آن شخص از افراد عاقله، به شمار آید.

ایشان در قسمت دیگر ضمان عاقله را تشبیه به فصل عشایری نموده اند. یعنی «در بعضی مناطق افراد اختلافات را، بر اساس عرف خود، حل و فصل می‌کنند. اگر قتلی واقع شده باشد، پول می‌دهند یا وصلت می‌کنند و خلاصه براساس عرف جامعه و با پیروی از پیمان و قرار داد، اختلافات حل و فصل می‌شود. نویسنده ی محترم نتیجه گرفته «در جامعه ای که چنین نیست به چه عنوان باید عاقله را عهده دار دیه بدانیم؟» (رهنمون، موسوی بجنوردی محمد، ش ۷ ص ۴۳ سال ۷۲)

در جواب این بیان باید گفت، این گونه حل و فصل اختلافات شاید مشابهتی از جهت مشارکت در تأمین دیه ی مقتول داشته باشد، ولی از جهت اینکه این عین ضمان عاقله است کاملاً غیر مرتبط و متفاوت است. چون ضمان عاقله تفاوت هایی با فصل عشایری دارد. از جمله این تفاوتها عبارتند از:

الف- فصل عشایری می‌تواند در هر نوع قتلی مطرح شود، درحالی که مسئولیت عاقله فقط در قتل خطای محض است و در غیر آن مسئولیت ندارد.

ب- در عشیره و قبیله ممکن است افراد آن به هر دلیلی کمک کنند، ولی جزء عاقله به‌شمار نمی‌آیند، اما در عاقله باید نسبت بین مرتکب قتل خطایی و خویشان ثابت شود.

ج- پرداخت دیه در فصل عشایری ممکن است به صورت عرف درآمده باشد. اما به وجود آمدن عرف با پیمانی و قرار داد، نیست و اصولاً این دو، متفاوت از همدیگر هستند. در نتیجه مسئولیت عاقله و این‌که عاقله شامل چه کسانی است غیر از مواردی است که در زندگی قبیله‌ای، طبق عرف و رسوم قبیله‌ای انجام می‌شود.

د- هرگاه ضمان عاقله با شرایط و ترتیبات خاص همانند ارث، برافراد معین، تحمیل شود مزایا و مصالحی برای افراد و جامعه خواهد داشت و رعایت مصلحت، محور وضع احکام و قوانین است. چون طوری که بیان شد این ضوابط و شرایط در مقایسه با فصل عشایری تفاوت‌های زیادی دارد. اختصاص ضمان عاقله به قتل و جراحت خطای محض و عدم اختصاص فصل عشایری به آن‌ها، از جمله‌ی آن تفاوت‌ها است.

با توجه به این تفاوت‌ها نمی‌توان فصل عشایری را با ضمان عاقله که دارای ویژگی‌های خاصی است، یکسان لحاظ نمود.

۳- بعضی به طور تلویحی با بیان دیدگاه‌های مخالف و موافق از فقها و نویسندگان به ارائه‌ی نظر و دیدگاه خود نیز پرداخته‌اند. از جمله با بیان دو منظر توجیهی و انتقادی در مورد ضمان عاقله به طرح سوال پرداخته‌اند که «آیا عامل همیاری در قبیله و یا کثرت افراد عاقله در آن از عوامل مهم و تاثیرگذار در ضمان عاقله بوده است یا نه؟ یعنی هم‌یاری افراد نسبت به هم دیگر و کثرت آنها در تحقق آن مدخلیت داشته است. در نهایت این پرسش را مطرح نموده که آیا ویژگی‌های همیاری و تناصر و کثرت افراد عاقله، در حکم ضمان عاقله به عنوان قید موضوع و یا علت حکم هستند؟ یا این‌که حداقل با حکم، ارتباطی داشته و در تشریح آن مدخلیت دارند یا نه؟» (حسینی منش محمد علی، ضمان عاقله از دو منظر توجیهی و انتقادی، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه تهران دفتر ۷۴ سال ۸۲)

مطلب فوق را با بیان چند نکته بررسی می‌کنیم.

الف- توجه به دیدگاه‌های انتقادی در حکم ضمان عاقله نشان می‌دهد، انتقادکنندگان (محمد موسوی بجنوردی، سید محمد حسن مرعشی) غالباً به مشکلات اجرایی آن توجه نموده‌اند و به بیان مزیت‌ها و امتیازات کمتر توجه شده است. این سوال قابل طرح است که اگر حکمی دارای امتیازات و ویژگی‌هایی باشد و برای تأمین امنیت روحی و روانی کمک کند «ولو با صرف هزینه» آیا ارزش طرح و پیاده نمودن را دارد یا نه؟

ما معتقدیم مسئولیت عاقله نباید تنها از جهت پرداخت دیه توسط خویشان پدری و مادری یا پدری قاتل خطایی مورد توجه باشد. بلکه باید به حفظ خانواده‌ی کسی که بدون قصد رفتاری را مرتکب شده، هم توجه شود، زیرا امکان دارد بر اثر تحمل و پرداخت دیه‌ی مقتول دچار مشکلات جدی اقتصادی شود و یا روانه‌ی زندان گردد. اگر وی پشتوانه و تأمین مالی نداشته باشد ممکن است خانواده‌ی مقتول هم با از دست دادن عضوی از اعضای خانواده دچار گرفتاری شود و وصول دیه هم ممکن نباشد. عدم امکان پرداخت دیه توسط قاتل و یا با عدم امکان دسترسی خانواده‌ی مقتول به دیه، معضلات بیشتر و بزرگ‌تری برای خانواده‌ها و در نتیجه برای جامعه، به‌وجود می‌آید. بنابر این نباید به عنوان این‌که آیا موضوع همیاری و تناصر ادامه دارد یا نه؟ این حکم را زیر سوال برد و یا این‌که افراد عاقله در عصر تشریح حکم، زیاد بودند و اکنون به همان شکل و تعداد نیستند. این سوالات نمی‌تواند، موضوع مهم و مفید ضمانت و مسئولیت خویشان را در قبال خسارت به‌وجود آمده، کم‌اهمیت نشان دهد. نباید منافع و امنیت اقتصادی و روحی خانواده‌های آسیب دیده را در تحقق این حکم نادیده گرفت.

از طرف دیگر با وجود انواع بیمه، این مشکل به طور مطلوب حل نشده است و وجود افراد متعدد با آمار گوناگون و ناراحت‌کننده در زندان‌ها، به علت عدم توانایی در پرداخت دیه، مزیت و لزوم اجرای این حکم را نشان می‌دهد.

ب- بعضی با بیان شرایط زمان تشریح ضمان عاقله و مقایسه آن با شرایط اجتماعی فعلی سعی نموده‌اند امکان اجرایی شدن آن را نفی کنند. درحالی که امکانات دنیای امروز و ارتباطات و تکنولوژی، امکان

اجرای نمودن آن را فراهم آورده و تسهیل نموده است.

هم چنین مسئولیت عاقله يك مسئولیت مدنی و حقوقی است و به همین جهت، هیچ مغایرتی با اصل شخصی بودن مجازات نداشته و قبول وزر (سوره ی انعام آیه ۱۶۴) دیگری هم نیست. بنابر این شارع آن را به عنوان يك حکم در جبران خسارت، بیان کرده و تغییرات اجتماعی و وضع ظاهری و مادی جامعه ی امروزی نه تنها مانع تحقق این حکم نیست، بلکه ضرورت وجود آن را نشان می دهد. زیرا هم شناسایی و هم برقراری ارتباط میان اعضای عاقله، برای مشارکت در جبران خسارت در هر جایی که زندگی می کنند، ممکن است.

هم چنین، در ابواب و موضوعات فقهی نیز فقها ضمان عاقله را به عنوان حکمی از احکام اسلامی، در پایان بخش مربوط به دیات آورده اند و هیچ فقیهی به قرار داد، در بین افراد قبیله در ضمان عاقله اشاره نکرده است.

ج- همپاری که در بین خویشان در عاقله مطرح است، همواره وجود داشته و الآن نیز عاقله شامل افرادی از جمله پدر و فرزند و برادر و فرزندان آنها می باشد. اینها در مواقع گرفتاری و نیاز، همدیگر را یاری و مساعدت می کنند.

الزام اعضای عاقله در صورت توان مالی برای کمک و مساعدت، هماهنگ با خواسته ی آنهاست و با توجه به مصلحت وضع این حکم، الزام عاقله از باب یاری و تعاون مالی، نوعی بیمه ی اجباری خانوادگی خواهد بود. این همپاری همواره مطلوب است.

د- در ضمان عاقله علاوه بر این که تناصر و همپاری بین خویشان مطرح است، از جهت تاثیر افکار عمومی در رعایت احتیاطات نیز موثر است. زیرا افراد همواره یکدیگر را به رعایت احتیاط توصیه خواهند کرد. چون عدم توجه یا کم توجهی هر فرد به آنچه در اطراف خود می گذرد، موجب به وجود آمدن حوادثی خواهد شد، که خود در جبران آن باید شرکت کنند.

امروزه مشارکت افراد در جامعه از آرمانهای قانون گذاران است و سعی دارند شهروندان را به نوعی در امور مربوط به جامعه شرکت دهند و از یاری و مساعدت آنها بهره گیرند. ضمان عاقله در تحقق این آرمان می تواند به عنوان يك طرح جدید مطرح شود.

ه - امروزه زندگی اجتماعی و ماشینی شدن آن، عواطف بشری را تحت الشعاع قرار داده است و با وجود امکانات رفاهی مشکلاتی را هم به وجود آورده است. برای حل این مشکل و تقویت عواطف باید به پیوند خانواده ها و ارتباط بین آنها و صله ی ارحام بین خویشاوندان توجه نمود. طرح موضوع ضمان عاقله می تواند موجب تقویت همبستگی و پیوند میان خانواده ها باشد، زیرا کمک مالی در صورت تمکن مالی خویشان، موجب حمایت از فرد گرفتار خواهد شد. ضمن این که فرد مرتکب نیز در بروز آن خسارت، هیچ نوع سوءنیتی نداشته است.

در نتیجه، این یاری و مساعدت، هم موجب نجات مرتکب قتل خطایی خواهد بود و هم با توجه به مؤجل بودن پرداخت دیه توسط عاقله، مشقتی بر آنها نخواهد داشت. بنابر این ضمان عاقله هم یاری و مساعدت برای قاتل خطایی خواهد شد و هم موجب پیوند بین خانواده ها و تقویت روابط می گردد. بدین ترتیب انسانها و خانواده ها، از گسیختگی، تفرقه و فاصله گرفتن از هم نجات پیدا می کنند و هم بستگی اجتماعی و صله ی ارحام تحقق می یابد. این ها اموری هستند که اسلام هم بر آنها تاکید دارد.

گفتار چهارم: دیدگاه های ایجابی :

در این قسمت دیدگاه هایی که در جهت اثبات حکم ضمان عاقله مطرح شده، بیان می شود.

۱- نویسنده ای در جهت اثبات این که حکم ضمان عاقله حکم الهی است و ساختار نظام قبیله ای در آن لحاظ نشده، بلکه حکمی است عام، و شامل همه ی جوامع در همه ی ازمنه و امکانه است چنین توضیح داده است.

«اسلام اهم تشریعاتش مانند حج، نماز، جهاد، انفاق، قضا، قصاص، دیات و به طور کلی تقوای دینی و عدالت اجتماعی را بر شالوده اجتماع نهاده است و به یقین در مساله «دیه بر عاقله» نیز این ملاک ملحوظ است. احتمال اختصاص حکم مزبور به جامعه ای که ساختار نظام قبیله ای دارد و با احتمال حمایت قوم از قاتل

باشد، احتمال ضعیف است و با اندک تأملی از بین می رود.» (محمدی گیلانی محمد، رهنمون، شماره ۷ ص ۱۳۵، سال ۷۲)

نویسنده در ارائه ی نظر خود به ابعاد اجتماعی احکام اسلامی توجه نموده است و اهمیتی که اسلام به اجتماع داده است و احکامی مانند نماز، حج، جهاد، انفاق، قضا، قصاص و دیات را که در ابعاد اجتماعی آنها، تاکیدات فراوانی در رابطه با اجتماع بیان شده است، ضمان عاقله نیز از همین قبیل است و جهات اجتماعی آن دارای اثرات مهم و زیادی است و مورد توجه شارع می باشد. اختصاص چنین حکمی به يك جامعه ای خاص «جامعه ای با نظام قبیله ای» احتمالی ضعیف است.

ضمان عاقله از دیدگاه وی حکمی از احکام اسلامی است مانند سایر احکام، که در اموال اغنیای برای دیگران بخصوص نیازمندان و افرادی که گرفتار باشند حقی نهاده شده است. مثل نفقه ی اقارب یا امر به صدقه و احسان و انفاق که باید اغنیای در اموال خود به نیازمندان و فقرا و مساکین اختصاص دهند.

حاصل آنکه تحمل دیه ی قتل خطایی توسط عاقله از قبیل حقوقی است که خداوند حکیم برای بعضی بندگان بر بعضی دیگر ایجاد فرموده است و این تدبیر حکیمانه از باب عقوبت انسان به جنایت دیگری نیست. عقوبت و کیفر با ایجاد دیه بر عاقله کاملاً متفاوت است بلکه حکمی است عام که شامل همه جوامع مسلمان در همه ی ازمه و امکان شده است. منشا این حکم هرچند به خاطر ارتکاب قتل خطایی توسط یک نفر است ولی مسئولیت جبران آن برعهده ی جمع نهاده شده و حکم برای آن جمع، تشریح شده است. این وزر دیگری نیست بلکه به عبارتی مسئولیت خود آن جمع است.

۲- نویسنده ی دیگر، در بیان حکم ضمان عاقله، ساختار نظام قبیله را به عنوان عامل مهم و اصلی در تشریح ضمان عاقله قبول ندارد، البته در امضایی بودن آن اتفاق نظر وجود دارد.

وی ابتدا موقعیت و اوضاع عصر قبل از تشریح حکم ضمان عاقله را بیان نموده و توضیح می دهد که: «زندگی بشر در شبه جزیره ی عرب به صورت قبیله ای بوده و تعصب قبیله ای، آنان را وا می داشت که ازجانی به طور مطلق دفاع کنند، خواه قاتل، مرتکب قتل عمدی شده باشد یا غیر عمدی، و خواه جنایت براعضای باشد، خواه بر اموال و اعراض صورت گیرد. اما این اشکال که ضمان عاقله مقتضای ساختار زندگی بشر آن موقع است و اختصاص به آنها دارد، ایراد کاملاً سطحی است.» (سبحانی جعفر، رهنمون، شماره ۷ ص ۱۲۵، سال ۷۲)

در بررسی این دیدگاه ابتدا، تفاوت های ضمان عاقله را در دوره ی قبل از ظهور اسلام و بعد از آن مورد ملاحظه قرار داده و سپس با توجه به توضیحات زیر معلوم می شود که اسلام آن را با تغییرات قابل توجه، تقریر و امضا نموده است.

از جمله ی آن تفاوت ها عبارت است از:

الف- درست است که در عصر جاهلی عشیره ی فرد جانی به دفاع از وی بر می خواست، ولی دفاع آنان فاقد هر گونه قید و شرط بود. اسلام در باره ی آن يك رشته قیودی اتخاذ نموده و حکم را به صورت عقل پسند و خرد پذیر درآورد و آن را در دایره ی محدود تری قرار داد.

ب- گفته شد که، دیه در جاهلیت و نظام قبیله گری بر تمام افراد قبیله تقسیم می گردید. در حالی که بعد از تقریر آن به اقربای ذکور پدر و مادری یا پدری اختصاص پیدا کرد. بنابراین نباید حکم عاقله را برگردان حکم جاهلی دانست و بین دو رسم و روش، در دو زمان و دوره ی زندگی کاملاً تفاوت وجود دارد. هم چنین تشریح اسلامی در این مورد بر اساس يك نوع تعاون و کمک به ارحام و خویشان استوار است.

۳- نویسنده ی دیگر در تعلق دیه بر عاقله در قتل خطایی محض می گوید: «همه ی علمای شیعه و سنی در این مسئله متفق القول هستند که دیه در قتل خطایی محض بر عهده عاقله است، روایات منقول از ائمه ی معصومین (علیهم السلام) در این مورد متضاد و بلکه متواتر هستند. در این روایات اکثراً اصحاب ائمه ی معصومین علیهم السلام از شاخ و برگ موضوع عاقله سوال کرده اند و از اصل عاقله کمتر سوال مطرح شده است. این قبیل سوالات و حرفها نشان می دهد، اصل مسأله «ضامن بودن عاقله» به قدری مسلم بوده است که نیاز به سوال از آن نبوده است.» (مکارم شیرازی ناصر، بحث فقهیه، ص ۲۱۰ سال ۷۲)

نویسنده ی محترم در این نوشته نتیجه گرفته، موضوع ضامن بودن عاقله، در جامعه آن روز در بین اصحاب بعقدری مسلم و پذیرفته شده بود که حتی اصحاب سوال نکرده اند چرا مسئولیت عمل چنین فردی، توسط دیگران جبران می شود. در قسمت دیگر با نقل آرای از فقها (مفتاح الکرامه، عاملی) فرموده: « این مسئله در نزد علما اتفاقی و بلکه اجماعی است». البته استناد اجماع کنندگان روایاتی هستند که در دست رس ما نیز می باشند و اجماع مدرکی است.

۴- نویسنده ای دیگر ضامن عاقله را مربوط به همه ی جوامع و اماکن و همه ی ازمنه و اعصار دانسته و چنین استدلال نموده: « فتح باب مثل این احتمال در مثل این حکم که اختصاص به زمانی دون زمان یا قبیله و مردمی خاص داشته باشد، قابل تسری به بسیاری از احکام است و با خاتمیت اسلام و جاودانه بودن دین حنیف منافات دارد.» (صافی گلیپایگانی لطف الله، رهنمون، ش ۷ ص ۱۳۵ سال ۷۲)

بخش قابل توجهی از احکام اسلامی امضایی هستند. هم در باب معاملات و قرار داد ها و هم در باب مجازات مانند قصاص و یا جبران خسارات مانند دیات.

اگر اختصاص این احکام به جامعه قبل از اسلام و ویژگی ها و خصوصیات دیگر موجب گردد که این احکام قابل طرح نباشد، باید در مورد خیلی از آنها این موضوع، مطرح شود. در حالی که ما معتقدیم، هر حکم و قانونی که توسط شارع بیان شده است اعم از این که امضایی باشد یا تاسیسی، حکم قانون اسلام را دارد و همواره استوار و پایدار است. خاتمیت اسلام و جاودانه بودن آن اقتضا دارد، احکام اسلامی نیز آن ویژگی را داشته باشند. البته لازم است تطبیق آن با مصادیق و راه کارها و زمینه ی اجرای آنها در هر عصر و زمانی مهیا و آماده شود.

نتیجه

با بررسی و توضیح نظرات مخالف و موافق در مورد حکم ضامن عاقله معلوم شد که این حکم در منابع مکتوب فقهی موجود بوده و از احکام اسلامی است. وجود نظام قبیله و شرایط زندگی در صدر اسلام از علل و قیود این حکم نیست. اعضای عاقله که خویشاوندان ذکور و نسبی قاتل محسوب می شوند، همواره بوده و هستند. بنابراین ادعای منتفی بودن موضوع حکم ضامن عاقله مردود است.

از طرف دیگر، این حکم دارای مزایای فراوان در حل مشکلات اجتماعی است. حمایت از زیان دیده، یاری مرتکب خطا با جبران خسارت، کاهش جرایم خطایی با نظارت خویشان، رهایی زندانیان مرتکب قتل خطایی، از جمله آنهاست. این حکم در جهت مساعدت و یاری بی گناه با پشتوانه مطمئن در جبران خسارت است و با اصول حقوقی نیز منافات ندارد.

فهرست منابع

قرآن

- ۱- ابن براج، قاضی عبدالعزیز (طرابلسی)، المهدب، ج ۲ ص ۵۰۳، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ ه
- ۲- ابن منظور افریقی، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۹ ص ۶۱، چاپ بیروت
- ۳- ابو عبدالله، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، مقنعه ص ۷۳۵
- ۴- ابی القاسم، حسین بن محمد، معروف به راغب اصفهانی، مفردات ص ۳۴۳، چاپ دوم، قم، مرتضوی
- ۵- امام خمینی، روح ا...، تحریر الوسیله، ج ۲ ص ۵۹۹، قم، جامعه مدرسین
- ۶- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقیهه هامه، چاپ اول، قم، موسسه امام علی (ع)، ۱۴۲۲ ق
- ۷- جزری، محمد (ابن اثیر)، النهایه فی غریب الحدیث والاثار، ج ۳ ص ۲۷۸
- ۸- سبحانی، جعفر - مجله ی رهنمون، شماره ۷ ص ۱۳۴-۱۲۵، سال ۷۲

- ۹- شرتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد، ج ۳ ص ۲۹۹
- ۱۰- گرجی، ابوالقاسم، دیات، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۲ ه ش
- ۱۱- صافی گلپایگانی، لطف ا...، مجله رهنمون، ش ۷ ص ۱۳۵، سال ۷۲
- ۱۲- طوسی، محمدبن حسن، مبسوط، ج ۷ ص ۱۷۳
- ۱۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵ ص ۴۲۷ چاپ جدید
- ۱۴- فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ص ۹۵۲
- ۱۵- فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، ص ۴۵۹
- ۱۶- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، ص ۱۵۶ دانشگاه تهران، چاپ هشتم سال ۱۳۷۶
- ۱۷- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، مجله رهنمون، ش ۷ ص ۴۶-۶۰، مدرسه عالی شهید مطهری
- ۱۸- مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، چاپ دوم، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۶۲ ه ش
- ۱۹- محقق حلی، نجمالدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، ج ۴ ص ۱۰۵۳، قم، مکتبه دار الهدی
- ۲۰- محمدی گیلانی، محمد - مجله رهنمون، شماره ۷ ص ۱۴۱-۱۳۵ - مدرسه عالی شهید مطهری
- ۲۱- موسوی بجنوردی، محمد، مجله رهنمون، شماره ۷ ص ۱۴۲-۱۴۴ سال ۱۳۷۲ ه ش، مدرسه شهید مطهری
- ۲۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قران، چاپ دوم، مرتضوی تهران ۱۳۶۲ ه ش-۲۲
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۳ ص ۴۱۳، چاپ ششم، تهران، سال ۱۴۰۴
- ۲۴- حسینی منش، محمد علی، نشریه مقالات و بررسیها، دفتر ۷۴ سال ۸۲، دانشکده الهیات دانشگاه تهران ۲۴
- ۲۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه ج ۱۹، تحقیق شیخ محمد رازی، چاپ ششم، اسلامیه، تهران ۱۳۶۷ ه ش